

به نام خدا

دلیل پنجم بر مطهریت استحاله ضم دو امر با یکدیگر است و آن ادله داله بر طهارت عنوانی است که بر اثر استحاله پیدا می شود در مواردی که چنین دلیلی وجود دارد

فرض کنید منی استحاله شد به گوسفند. این گوسفند دلیلی بر طهارتش در شرع وجود دارد اگر بر فرض دلیل خاصی هم نداشته باشد اما دلیل بر حلیتش وجود دارد و چون خوردن شیء نجس حرام است معلوم می شود که پاک است.

و اگر هم مستحال الیه عنوانی دارد که دلیلی بر طهارتش نداریم در اینجا ضمیمه می شود قاعده انغماس الاشياء فی بحر الطهاره و الحلیه یعنی همه اشیاء فرو رفته در بحر طهارت و حلیت هستند مگر اینکه دلیلی بر حرمتش یا نجاستش داشته باشیم. برای طهارت نیاز به دلیل نیست بلکه برای نجاست و حرمت نیاز به دلیل است. این متفاوت با قاعده طهارت است چون آن دلیل است اما این جا می گویم اصلا نیازی به دلیل نیست.

پس یا عنوان بر طهارت وجود دارد که واضح است و یا اینکه عنوانی ندارد برای طهارت که اصل در همه اشیاء طهارت است و این طهارت شرعیه نیست بلکه یک امر واقعی است.

این مطلب در بعضی از تقارير اصول مرحوم امام در اوایل امرشان وجود دارد

ثم ان هاهنا نکته ... ان حلیه الاشياء و طهارتها و جواز الانتفاء بها و ... لانتوقع علی جعل شرعی بل الذی یحتاج الی الشیء هو حرمت الشیء و قذارته و عدم جواز الانتفاع به و استعماله فی الصلوه فما لم یکن فی الشیء التزام الاجتناب عنه ...

این فرمایش ایشان شعبه ای از مسئله ای است که در اصول قدما مطرح بوده است و آن اصالة الحذر از اشیاء یا اصالة الاباحه در اشیاء است. اصل در اشیاء عدم حرمت و عدم منع است. فلذا ایشان در اواخر بحث اشاره به آن بحث می کند

بنابراین اگر این قاعده را بپذیریم در نتیجه هر چیزی دلیل بر نجاستش نداریم پاک است اما نه پاک به حکم شرع بلکه حکم اولی است.

پس اگر مستحال الیه عنوانی دارد که دلالت بر طهارت دارد دو دلیل بر طهارتش داریم یکی همان آیه و روایتی که دال بر طهارتش است مثلا در آب خلق الماء طهورا دلالت بر طهارتش دارد و یا آیه فاغسلوا بوجوهکم و ادله دیگر و دیگری این که چون دلیل بر نجاستش نداریم پاک است. و بالاتر ادله دال بر طهارت ، ارشاد به همان اصل اولی است.

...

این استدلال یک متمم نیاز دارد و آن اینکه در اینجا استصحاب بقاء نجاست نمی توانیم جاری کنیم. یا به این دلیل اینکه استصحاب در شبهه حکمیه است و یا اینکه بگوئیم بقاء موضوع که شرط استصحاب است وجود ندارد. تحقیق بقاء یا عدم بقاء موضوع در شرط دوم بیان خواهد شد.

چون ممکن است کسی بگوید موضوع باقی است چون موضوع نجاست جنس است نه مجموع صورت نوعیه. و جسم موضوع نجاست است. مثلا اگر کلب نجس است جسمش نجس است نه اینکه فصلش هم نجس باشد. مثلا در آب متغیر احد اوصاف ثلاثه را می فرمایند نجس است حال اگر این تغیر از بین رفت آب پاک نمی شود چون نجاست روی این اوصاف ثلاثه نرفته است بلکه روی آب رفته است و تغیر اوصاف واسطه در ثبوت است.

وقتی سگ در ملاحه می افتد این گونه نیست که به کلی سگ از بین برود و چیز دیگری خداوند خلق کند بلکه ماده آن باقی است و تبدیل می شود و این همان است که در معقول به آن هیولا می گویند.

البته این مباحث خواهد آمد که آیا بقاء موضوع باید به حسب عرف باشد یا عقل یا دلیل که اگر گفته باشد ملاک عرف است کما هو الحق در اینجا عرف حکم می کند که موضوع باقی نیست.

اما کبرایی که ایشان فرمودند ظاهرا خودشان بعدها به این ملتزم نبوده اند چون در موارد دیگر چنین استدلالی نمی کنند.

این فرمایش ایشان اشکال مبنایی دارد. آیا واقعا این گونه است که اصل بر پاکی هر چیزی است الا ما خرج بالدلیل؟ این درست نیست در جای خودش ثابت شده است که اصل طهارت در همه جا بدون دلیل درست نیست. و شاهدش هم این است که شارع جعل قاعده طهارت کرده است به این که در ظرف شک با فرض باقی بودن شک ، قاعده طهارت جعل می کند

ثانیا این که اصل در اشیاء طهارت است و برای نجاست دلیل می خواهیم چه دلیلی برای این حرف هست؟ همین که ما امکان می دهیم که شارع اعتبار نجاست کرده باشد و به دست ما نرسیده باشد. چون شارع در موارد عدیده ای عقلا را تخطئه کرده است مثلا خوک که همه عالم از آن استفاده می کنند در حالی که شارع فرموده است نجس است. پس معلوم می شود که شارع مواردی از آن چه در نزد عقلا است را قبول ندارد حال اگر در جایی تخطئه نکرد به اطلاق مقامی می فهمیم که جعل طهارت کرده است

این بحث ، محلس این جا نیست و باید به عنوان یک اصل موضوعی پذیرفت اما اگر در آن بحث این مطلب مرحوم امام ثابت شود می توان در اینجا استفاده کرد.

دلیل ششم:

این دلیل همان دلیل قبلی است با این تفاوت که قاعده طهارت در اینجا مراد است

به این که اگر مستحال الیه دلیل بر طهارت دارد دلالت بر طهارتش می کند و استصحاب هم جاری نمی شود چون انقضه بیقین آخر وجود دارد. بنابر این که استصحاب در شبهات حکمیه جاری شود.

اما مواردی که عنوانی پیدا نمی کند شک می کنیم که پاک است یا نه کل شیء طاهر حتی تعلم انه قذر جاری می شود بنا بر این که بگوییم در شبهات حکمیه جاری می شود که مشهور قائل به آن هستند و حق هم همین است.

بنابراین دلیل پنجم و ششم دلیل های خوبی است البته دلیل بدون دغدغه و اشکال ، دلیل ششم است.

وصلی الله علی محمد و آل محمد.

اشکال شهید صدر به قاعده طهارت در مسبوق النجاسه در اینجا وارد نمی شود زیرا مستحال الیه چیز جدیدی است و مسبوق به نجاست نیست که بگوییم قاعده طهارت تنها در غیر مسبوق به نجاست جاری می شود. و اگر کسی قائل بشود به این که این قاعده می گوید همه چیزها پاک است تا وقتی نجس شود و تعلم طریقی است به غایت نجاست که در این صورت جمع بین قاعده طهارت واستصحاب است باز می توان در اینجا به آن استناد کرد.